

چکیده :	۲
مقدمه:	۳
تعریف آزادی مشروط:	۴
سابقه‌ی قاعده‌ی آزادی مشروط:	۴
گفتار اول:	۶
شرایط ماهوی آزادی مشروط:	۶
الف) عدم وجود سابقه‌ی محومیت به حبس :	۶
ب) شرایط مدت :	۷
ج) شرایط خاص مربوط به محکوم‌علیه	۸
گفتار دوم:	۹
تشریفات اعطای آزادی مشروط:	۹
الف) شرایط شکلی:	۹
ب) مدت آزادی مشروط:	۱۱
د) شرایط ضمن مدت آزادی مشروط:	۱۱
هـ) شرایط لغو آزادی مشروط:	۱۲
و) آثار و نتایج آزادی مشروط:	۱۲
نتیجه:	۱۵
منابع:	۱۴

چکیده :

در تحقیق حاضر به بررسی نهاد آزادی مشروط زندانیان که یکی از تأسیسات حقوق کیفری است می‌پردازیم. اما وجود مجازات برای کسی که جرمی را مرتکب شده است، نشان‌دهنده مجازات مجرم و نوعی اصلاح وی برای اینکه دیگر مرتکب تکرار جرمی نشود است. نهاد آزادی مشروط هر دو اهداف را دنبال می‌کند تا به هدف اصلی خود اصلاح و انطباق اجتماعی مجرم برسد.

به بیان دیگر آزادی مشروط همانند تعلیق مجازات جزء آثار سقوط مجازات است و تعلیق مجازات ممکن است پس از شروع اجرای آن، با شرایطی که قانون معین کرده است، صورت گیرد. این نوع تعلیق مجازات اصطلاحاً آزادی مشروط خوانده می‌شود.

پس ما در این بررسی به ماهیت آزادی مشروط و مواد مربوط به آن و چگونگی اعطای آن به محکوم‌علیه می‌پردازیم.

واژگان کلیدی:

آزادی مشروط، مجازات، جرم، محکوم‌علیه، حبس

مقدمه:

در تمام طول زندگی بشر قوانینی که وضع شده است، هدفی جز کیفر و مجازات مجرمین را نداشته است و واکنشهای جامعه نسبت به مجازات مجرمین گاه شدید و گاه خفیف بوده، واکنشهای خفیف همانند: طرد از خانواده، قبیله و واکنشهای شدید همانند: مجازاتهای مالی و بدنی بوده است. اجرای بعضی از این مجازاتها موجب می شود که تا فرد نتواند در جامعه باقی بماند اما به تدریج که جرایم در اجتماع مشخص شد و مجازاتها نیز ثبات پیدا کرد و تقریباً مجازات متناسب با جرایم تعیین گردید.

با تحول اندیشه های کیفری در خصوص جزا این مفهوم گسترده شد در این حال نه تنها مجازاتها در قانون وجود دارد. بلکه شامل اقدامات تأمینی و تربیتی و بعضی اقدامات مراجع قضایی و دادگاههای کیفری نیز می شوند.

به طور کلی می توان گفت که قانون گذار هر کشوری با وضع قوانین کیفری سیاست خاصی را دنبال می کند و یکی از این سیاستها اصلاح و انطباق اجتماعی بزهکار است و یکی از تأسیسات کیفری که بیش از هر مسئله ای به اصلاح و انطباق اجتماعی بزهکار توجه دارد، آزادی مشروط است. و از دیدگاه مکتب تحقیقی و مکتب اجتماعی که تلاش دارند با شیوه های گوناگون به اصلاح تدریجی محکومین بپردازند و آنها را به جامعه بازگردانند. نهاد آزادی مشروط این مهم را تسریع می کند.

آزادی مشروط که به موجب آن محکوم علیه با رعایت شرایطی قبل از پایان دوره محکومیت از تحمل بخشی از محکومیت معاف می شود .

تعریف آزادی مشروط:

آزادی مشروط فرصت و مجالی است که فرد در حال حبس قبل از پایان دوره محکومیت از طرف دادگاهی که حکم به محکومیت او را صادر، و با رعایت شرایطی که قانون مشخص کرده است به او اعطا می شود.

و اگر در طول آزادی با رعایت قوانینی که بر او مقرر شده است، همچنین از خود رفتار پسندیده و مطلوب نشان دهد که معلوم شود او در مدت محکومیت جزایی بر او مؤثر بوده آزادی او قطعی خواهد شد. در این صورت قانون آزادی مشروط توانسته است که مجرم را که جرمی مرتکب شده به کیفر اعمالش برساند و هم یکی از ویژگیهای کیفر ارباب و ترس و تحقیر است، مورد اجرا درآورد و فردی که در مدت حبس اصلاح شده، دیگر نیازی به ادامه مجازات او نیست و او می‌تواند در محیط اجتماعی بیشتر از محیط زندان رشد و پیشرفت کند و محکوم‌علیه آمادگی بیشتری برای بازگشت به جامعه و پذیرش در گروه را دارد پس آزادی مشروط علاوه بر نفع فردی، منافع اجتماعی را نیز در نظر دارد و یکی از ابزارهای فردی کردن مجازات است.^۱

سابقه‌ی قاعده‌ی آزادی مشروط

نهاد آزادی مشروط زندانیان، تأسیس حقوقی است که در قرن نوزدهم میلادی نخست در قانون انگلستان، تحت تأثیر روش تدریجی ایرلندی مورد استفاده قرار گرفت، در فرانسه نیز، تحت تأثیر نظرات طرفداران مکتب تحقیقی حقوق جزا، در سال ۱۸۸۵ در قانون جزای این کشور پذیرفته و از آن به بعد، در بسیاری از کشورها مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است.^۲

سابقه‌ی تاریخی آزادی مشروط در قانون جزای ایران را می‌توان در قانون راجع به وادار نمودن محبوسین غیرسیاسی به کار مصوب ۱۳۱۴ جستجو کرد به عبارت از آنکه: «اشخاصی که در نتیجه‌ی ارتکاب به جرایم عادی (غیرسیاسی) محکوم به حبس شده باشند و لااقل یک ثلث از مدت حبس دربارهی آن اجرا شده ... نسبت به بقیه مدت حبس در موسسات فلاحتی و صنعتی وادار به کار و تحت حفاظت قرار داده می‌شوند».

^۱ - عباس زراعت، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، ص ۱۰۳، چ سوم، انتشارات ققنوس، تهران ۱۳۸۴.

^۲ - دکتر هوشنگ شامبیانی، حقوق و جزای عمومی، ص ۴۹۵، ج ۲، ۱۲، انتشارات مجد و ژوبین، تهران ۱۳۸۴.

و بر طبق ماده‌ی (۲۰) همان قانون، «در صورتی که بعد از انتقال به مؤسسات صنعتی و یا فلاحی مرتکب جنایتی شود و محبس علاوه بر مجازات جرمی که جدیداً مرتکب شده، بقیه مدت مجازات جرم سابق از تاریخی که مرتکب جرم جدید شده، دربارهی او اجرا می‌شود.»

قانونگذار ایران به علت مفید و مؤثر بودن این سیستم کیفری، نهاد آزادی مشروط از قوانین جزایی فرانسه اقتباس و در سال ۱۳۳۷ «قانون آزادی مشروط زندانیان» را به تصویب رسانید که مشتمل بر ۱ ماده واحد و ۹ تبصره می باشد. که مطابق ماده واحد این قانون، شخصی که مرتکب جنحه، جنایتی شده است، با رعایت شرایط خاص، ممکن است از آزادی مشروط استفاده کند.^۱ به این عبارت که در مورد جنحه پس از گذشت نصف مجازات و در مورد جنایت پس از گذشت دو ثلث از مجازات مشروط بر اینکه شخص برای بار اول محکوم به حبس شده باشد آزادی مشروط مورد پذیرش قرار می‌گرفت.

ماده‌ی (۴۰) قانون سابق راجع به مجازات اسلامی با قبول کلیات ماده واحد آزادی مشروط را منحصر به مجازات حبس تعزیری کرد. در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ ضمن پذیرش «آزادی مشروط» با توجه به ضرورت و فواید عملی آن برخی از مقررات قانون «آزادی مشروط زندانیان» را تغییر و اصلاح نموده است.

گفتار اول:

شرایط ماهوی آزادی مشروط:

طبق ماده‌ی ۳۸ اصلاحی ۱۳۸۷ ق.م.ا «هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد در جرایم کیفر قانونی آنها بیش از سه سال حبس است و نصف مجازات را گزرانده باشد دادگاه صادر کننده دادنامه محکومیت قطعی

^۱- دکتر رضا نوربها، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی ص ۴۳۱، ج ۱۳، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۸۴

می‌تواند در صورت وجود شریط زیر حکم به آزادی مشروط صادر نماید» بدین ترتیب آزادی مشروط منوط به احراز شرایطی است.

الف) عدم وجود سابقه‌ی محومیت به حبس :

با توجه به صدر ماده‌ی ۳۸ ق.م.ا که می‌گوید: «هر کس برای بار اول به علت ارتکاب به جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد» پس این ماده کسانی که محکومیت به مجازات حبس برای اولین بار، و بدون سابقه‌ی محکومیت کیفری به جرایم دیگر اعم از حبس شده باشند می‌توانند از آزادی مشروط استفاده کنند. البته به موجب ماده‌ی (۵) قانون اقدامات تربیتی و تأمینی: «تبعیدی اگر سه سال از تبعیدگاه گذرانده باشد بنابر پیشنهاد مدیر تبعیدگاه و درخواست دادستان شخص تبعیدشده از طرف دادگاه صادر کننده‌ی حکم به طور مشروط آزاد می‌شود. اما ماده‌ی (۵) قانون اقدامات تربیتی و تأمینی با آنچه که در ماده (۳۸) قانون مجازات اسلامی آمده متفاوت است. برای اینکه در ماده‌ی (۳۸) تنها کسانی می‌توانند از آزادی مشروط استفاده کنند که برای اولین بار محکوم به حبس شده‌اند. اما در ماده‌ی (۵) اقدامات تربیتی و تأمینی چنانچه که محکوم‌علیه سابقه‌ی مجازات حبس نیز داشته باشد می‌تواند از آزادی مشروط استفاده کند.

پس می‌توان استنباط کرد که مقصود نه این است که اولین بار مرتکب جرم شود. بلکه اولین بار باید به مجازات حبس مرتکب شده باشد، لذا چنانچه محکوم سابقاً جرم انجام داده ولی به حبس محکوم نشده باشد می‌تواند از آزادی مشروط استفاده کند.^۱ اما در مورد کلمه‌ی (حبس) در ماده (۳۸) ق.م.ا به نظر می‌رسد که حبس تعزیری و بازدارنده را شامل می‌شود. به نظر دکتر نوربها: اگر حکم اولیه‌ی مجازاتی غیر از حبس باشد مانند اعدام به لحاظ عفو به حبس ابد (یا غیرآن) تبدیل گردد، به نظر او و با تفسیر به نفع محکومان می‌توان با آزادی مشروط موافقت کرد. زیرا تبدیل مجازات بدین شکل در واقع همان تبدیل محکومیت است و به نظر من تبدیل جرایم غیرحبس به حبس ابد در ماده (۳۸) ق.م.ا جایگاهی ندارد. چون برای محکومین حبس ابد نمی‌توان از آزادی مشروط استفاده نمود. برای اینکه محاسبه نصف مجازات حبس آن غیرممکن است. اما چون آنها برای همیشه در محیط زندان هستند، می‌توان با راهکارهایی برای اصلاح آنها اقدام نمود. تا محیط زندان از سلامتی نسبی برخوردار

^۱ - دکتر رضا نوربها، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، ص ۴۳۲، ج ۱۳، انتشارات گنج‌دانش، تهران ۱۳۸۴.

باشد. و حبسهای ناشی از حدود را که از نظر شرعی قابل بخشش و آزادی نیستند^۱. طبق نظریه‌ی مشورتی ۱۳۸۱/۷/۲۲/۶۴۳۰ این ادعا رد می‌شود «حبسی که به عنوان حد تعیین می‌شود به لحاظ معلوم نبودن مهلت آن و بالنتیجه معلوم نبودن نصف آن از شمول مقررات آزادی مشروط خارج است.»

استفاده از عفو مانع آزادی مشروط نیست. بنابراین اگر کسی به فرض به حداکثر مجازات جرمی که ۱۰ سال حبس دارد محکوم شود و پس از عفو مجازاتش به ۷ سال تعلیق یابد، به شرطی می‌تواند از آزادی مشروط استفاده کند که نصف ۱۰ سال یعنی ۵ سال حبس مقرر در حکم را تحمل کرده باشد. و حبس ابد پس از تخفیف یا عفو محکوم‌علیه در صورت تبدیل آن به مجازات حبس تابع همین قانون خواهد بود.

در مورد ماده‌ی (۳۸) سؤالاتی مطرح می‌شود، که اولاً کسانی که مشمول به تعدد جرم و تکرار جرم می‌شوند و مجازات جدید آنها حبس است. باز هم می‌توانند از آزادی مشروط استفاده کنند؟ یعنی اگر محکوم‌علیه قبلاً مرتکب جرمی شده که مجازات آن غیر از حبس بوده و اکنون برای بار اول مرتکب جرم جدید شده که مجازات آن حبس است، می‌توانند از آزادی مشروط استفاده کند. اما اگر مجازات جرم قبلی او حبس بوده است و جرم جدید او مجازات حبس دارد، نمی‌تواند از مقررات ماده‌ی (۳۸) استفاده نماید به عبارتی دیگر مقنن از عبارت (هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد...) این است که مرتکب سابقه‌ی محکومیت به مجازات حبس را نداشته باشد و بار اول که مرتکب جرمی می‌شود که مجازات آن حبس است، می‌تواند از آزادی مشروط استفاده کند.

ب) شرایط مدت :

محکوم‌علیه باید نصفی از مدت مجازات را تحمل کرده باشد و حکم محکومیت هم باید در حال اجرا باشد. این محدودیت موجب آن نیست که محکوم‌علیه نتواند قبل از انقضای نصف مدت درخواست آزادی مشروط نماید. اما حکم به آزادی تا پایان گرفتن نیمی از مجازات است. در ماده‌ی (۳۸) قانون ۱۳۷۰ محکوم‌علیه می‌بایستی نصف یا دو ثلث از مدت مجازات را تحمل کند و گذراندن دو ثلث مجازات در جرایمی که کیفر قانونی آنها تا ۳ سال حبس است.

^۱- دکتر رضا نوربها، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، ص ۴۳۲، ج ۱۳، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۸۴.

ج) شرایط خاص مربوط به محکوم علیه

۱- شرط دیگری از اعطای آزادی مشروط به زندانیان این است: «هر گاه در مدت اجرای مجازات مستمراً حسن اخلاق نشان داده باشد» (بند ۱ ماده ۳۸ اصلاحیه) این روش از نظر قانونگذار به معنای اصلاح محکوم علیه تلقی شده و او را مستحق استفاده از آزادی مشروط می‌شناسند.

در قانون معیار سنجش حسن اخلاق بیان نگردیده و فقط استمرار بیان شده است. به نظر می‌رسد منظور قانونگذار این است، که یکی زندانی باید مقررات زندان را رعایت کند و تنها از حالت ظاهری و موقتی یک زندانی نباید پی به وجود حسن اخلاق در او برد^۱. و اگر ما هم همانند بعضی کشورهای دیگر هیئتی از افراد متخصص به امور روانی و اجتماعی را مأمور رسیدگی به شکل تحولات شخصیت زندانی کنیم و از آنها بخواهیم که زندانیانی را که می‌توانند از آزادی مشروط استفاده کنند، تعیین نمایند، به فلسفه اعطای آزادی مشروط نزدیکتر خواهیم بود^۲.

۲- هر گاه از اوضاع و احوال محکوم پیش‌بینی شود که پس از آزادی مرتکب جرم خواهد شد (بند ۲ ماده ۳۸ اصلاحی). در این مورد و نیز شرط قبل باید به تأیید رئیس زندان محل گذراندن محکومیت و قاضی ناظر زندان و رئیس حوزه قضائی برسد (تبصره ۱ ماده ۳۸) اما در مورد اندیشه و افکار انسان به سهولت نمی‌توان به آن پی برد. احراز این شرایط امری بس مشکل است. تنها دلیلی که در این زمینه ملاک تشخیص دادگاه قرار می‌گیرد، محتویات پرونده کیفری و گزارش سازمان زندانها در مورد رفتار و اخلاق محکوم علیه در طی دوران اقامت در زندان است. مثل اینکه محکوم از خود مستمراً حسن اخلاق نشان دهد و در زندان معترض کسی نشود. و یکی از دلایل دیگری که محکوم علیه مرتکب تکرار جرم نشود بستگی به این دارد که دادگاه از وضعیت خانوادگی، اجتماعی و حرفه‌ای او در آینده اطلاعات دقیقی در دست داشته و کسب این اطلاعات ایجاد تأسیساتی نظیر مؤسسات مراقبتی و معاضدتی آزادشدگان است که در حال حاضر سازمانهای زندانهای کشور دارای مرکزی به نام «مراقبت بعد از خروج» است^۳.

^۱- دکتر هوشنگ شامبیانی، حقوق و جزای عمومی، ص ۵۰۳، ج ۲، چ ۱۲، انتشارات مجد و ژوبین، تهران ۱۳۸۲.

^۲- دکتر پرویز صانعی، حقوق و جزای عمومی، ص ۸۱۷، چ ۱، انتشارات طرح نو، تهران ۱۳۸۲.

^۳- دکتر هوشنگ شامبیانی، حقوق و جزای عمومی، ص ۵۰۴، ج ۲، چ ۱۲، انتشارات مجد و ژوبین، تهران ۱۳۸۴.

۳- شرط دیگر آزادی مشروط برای زندانیان این است «هر گاه تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده بپردازد یا قرار پرداخت آن را بدهد و در مجازات حبس توأم با جزای نقدی مبلغ مذکور را بپردازد یا با موافقت رئیس حوزه قضائی ترتیبی برای پرداخت داده شده باشد.» (بند ۳ ماده ۳۸ اصلاحی) بنابراین جلب رضای مدعی خصوصی شرط استفاده از آزادی مشروط قانوناً نیست، ولی معمولاً دادگاهها در پرونده‌هایی که شاکی دارد، در صورت عدم جلب رضای شاکی یا عدم پرداخت ضرر و زیان حکم به رد درخواست آزادی مشروط می‌دهند.^۱ اما ضرر و زیان مدعی خصوصی از مصادیق الزامات مالی است که بزهکار مکلف است ترتیبی برای پرداخت آن بدهد یا به هر تقدیر با متضرر از جرم مصالحه کند، لیکن جزای نقدی قابل مصالحه نیست ولی محکوم‌علیه می‌تواند با موافقت دادستان قراری برای پرداخت آن بگذارد.^۲

افلاس یا اعسار محکوم‌علیه مانع استفاده وی از آزادی مشروط با احراز شرایط دیگر نیست ولی باید اعصار یا افلاس مورد ادعا مورد قبول دادگاه قرار گرفته و منتهی به صدور حکم در این مورد شده باشد.

(بند ۳ ماده ۳۸) طبق تبصره ۱ این ماده باید به تأیید قاضی مجری حکم برسد

گفتار دوم:

تشریفات اعطای آزادی مشروط

الف) شرایط شکلی:

شرایط شکلی همان آیین اعطای آزادی مشروط می‌باشد و طبق ماده (۳۹): «صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد سازمان زندانها و تأیید دادستان یا دایار ناظر خواهد بود.» بدیهی است دادیار ناظر زندان و دادستان با توجه به نظر مدیران زندان، انجمن حمایت از زندانیان و سایر اوضاع و احوال، پیشنهاد آزادی مشروط را می‌نمایند.^۳ شورای طبقه‌بندی زندانیان که رئیس زندان نیز عضوی از آن است، درباره شایستگی محکوم‌علیه نظر خود را بیان می‌کند. (بند ج ماده ۷۳ آئین‌نامه قانون و مقررات اجرای

^۱- دکتر ایرج گلدوزیان، بایسته‌های حقوق و جزای عمومی، ص ۳۶۹، ج ۱۱، انتشارات میزان، تهران ۱۳۸۴.

^۲- دکتر محمدعلی اردبیلی، حقوق و جزای عمومی، ص ۲۵۲، ج ۲، انتشارات میزان، تهران ۱۳۸۵.

^۳- دکتر رضا نوربهاء، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۴۳۵، ج ۱۳، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۸۴.

سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور). البته دادگاه مکلف به پذیرش درخواست آزادی مشروط نیست و می‌تواند سازمان زندانه را مردود اعلام کند و به نظر دکتر نوربهاء دادگاه باید با دلایل قانع کننده در حکمی که می‌دهد به رد پیشنهاد اقدام کند، هر چند قانون از این بابت تکلیفی مشخص نکرده است.

پس از آنکه حسن رفتار و سلوک زندانی در مدت اجرای حبس به تأیید رئیس زندان رسید و از افعال محکوم‌علیه پس از آزادی اطمینان حاصل کرد نام او را در شمار محکومان واجد شرایط آزادی مشروط به قاضی زندان و یا رئیس حوزه قضایی پیشنهاد می‌کند. قاضی حکم نیز پس از آنکه موافقت خود را در خصوص پرداخت جزای نقدی و ضرر و زیان ناشی از جرم اعلام را اعلام کرد، از طریق رئیس حوزه قضایی از دادگاه صادرکننده حکم قطعی یا دادگاه جانشین تقاضای آزادی مشروط را خواهد کرد.

برابر تبصره ۲ ماده ۳۸ در صورت انحلال دادگاه صادر کننده حکم و صدور حکم آزادی مشروط از اختیارات دادگاه جانشین است.

در ایالت متحده آمریکا آزادی مشروط که در این کشور «parole» نامیده می‌شود و در همه ایالات و در نظام فدرال پذیرفته شده است. ولی ۲ تفاوت عمده میان نظام جزای آمریکا و نظام جزایی کشورهای حقوق مدون به شرح زیر وجود داد:

۱) در آمریکا اخذ تصمیم درباره آزادی مشروط زندانی در حدود مقررات قانونی، به عهده «هیأت آزادی مشروط» یا «parol Board» گذارده شده است. ترکیب «هیأت آزادی مشروط» در ایالات مختلف فرق می‌کند. در بعضی ایالات اعضاء این هیأت به طور تمام وقت به انجام وظیفه اشتغال دارند، و در بعضی ایالات کار آنها به صورت نیمه وقت انجام می‌گیرد. از اعضای هیأت آزادی مشروط معمولاً از حقوقدانان، روانپزشکان و بعضی مقامات رسمی، مثلاً دادستان و یا مقامات زندان تشکیل می‌شود.^۱

۲) تفاوت دیگری که وجود دارد، همانند مورد تعلیق مجازات، آن است که زندانی آزاد شده به حال خود گذاشته نمی‌شود، بلکه معمولاً تحت نظر و مراقبت مأمور «آزادی مشروط» (parol supervisor) باقی می‌ماند.^۲

^۱ - دکتر پرویز صانعی، حقوق و جزای عمومی ص ۸۲۲ ج ۱، انتشارات طرح نو، تهران ۱۳۸۲

^۲ - دکتر پرویز صانعی ص ۸۲۳، همان منبع .

(ب) مدت آزادی مشروط:

در تبصره (۳) ماده‌ی (۳۹) ق.م.ا تأکید شده است که: «مدت آزادی مشروط شامل بقیه مدت مجازات خواهد بود. ولی دادگاه می‌تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال کمتر از ۱ سال و زیادتر از ۵ سال نخواهد بود جز در مواردی که بقیه مدت کمتر از ۱ سال باشد. که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه حبس خواهد بود» طبق قانون سابق مدت آزادی مشروط را اصولاً شامل بقیه مدت مجازات می‌دانستند. لذا دادگاه می‌توانست به بقیه مدت حکم دهد، اما چنانچه دادگاه می‌خواست مدت آزادی مشروط را تغییر دهد مکلف بود مدت آزادی را بین ۱ تا ۵ سال تعیین کند. البته مدت آزادی ارتباطی با مدت محکومیت نداشت. قانون در حدود محکومیت‌های کمتر از ۱ سال به اصل کلی بقیه مدت رجوع می‌کرد.

هر چند این ماده اشکالات قانون سابق را برطرف کرده اما ممکن است ایراد شود که قانون قبلی از نظر اینکه قلمرو مدت را کمتر محدود می‌کند و دست دادگاه را باز می‌گذارد دچار اشکال است، اما به نظر دکتر نوربها: اگر به منطق آزادی مشروط توجه کنیم آن را نوعی درمان رفتار مجرمانه بدانیم، می‌توان گفت چنانچه دادگاه‌ها در تشخیص خود علاوه بر صلاحیت، دقت کافی داشته باشند این اشکال قابل رفع است. و در نهایت می‌توان گفت مدت آزادی مشروط را نمی‌توان کمتر از ۱ سال و بیشتر از ۵ سال تعیین کرد. اگر مدت حبس موضوع آزادی مشروط کمتر از ۱ سال باشد از شمول آزادی مشروط خارج شده است و دادگاه بعد از تعیین مدت آزادی مشروط نمی‌تواند آنرا تغییر دهد.

(د) شرایط ضمن مدت آزادی مشروط:

پس از اینکه تشریفات لازم جهت صدور حکم آزادی مشروط فراهم گردید پرونده به همراه پیشنهاد ارائه شده به دادگاه صدور کننده قطعی ارسال می‌شود. چنانچه پیشنهاد ارائه شده حاوی کلیه شرایط مندرج در قانون بوده و در این صورت دادگاه حکم آزادی مشروط زندانی را صادر خواهد کرد. مدت آزادی پس از صدور حکم قطعی آزادی مشروط آغاز می‌شود و باید زندانی شرایطی را که در تبصره (۳) و ماده‌ی (۳۸) ق.م.ا رعایت کند.

این شرایط از قبیل سکونت در محل معین یا خودداری از سکونت در محل معین یا خودداری از اشتغال به شغل خاص و معرفی نوبه‌ای خود به مراکز تعیین شده و امثال

آن که در متن حکم قید می‌شود. اما خودداری از شغل خاص در تبصره بیان شده کمی مبهم به نظر می‌رسد. اما با توجه به اوضاع محکوم و اینکه در زمان ارتکاب به جرم به شغلی مشغول بوده و اینکه آیا شغلش در ارتکاب جرم او مؤثر بوده یا نه می‌تواند آن ملاک قرار گیرد. وقانون با بکار بردن عبارت (از قبیل...) برخی از این شرایط عنوان کرده و مشخص است که دادگاه می‌تواند شرایط دیگری را نیز تعیین کند.^۱

هـ) شرایط لغو آزادی مشروط:

طبق تبصره (۳) ماده‌ی (۳۸) ق.م.ا بیان شده است «... در صورت تخلف وی از شرایط مذکور یا ارتکاب به جرم مجدد بقیه محکومیت به حکم دادگاه صادرکننده حکم به مرحله اجرا در می‌آید.» با احراز تخلف از دستورات دادگاه آزادی مشروط لغو می‌گردد و با ارتکاب به جرم جدید خواه عمدی یا غیرعمدی آزادی مشروط ملغی می‌گردد. اینکه آیا بعد از لغو آزادی مشروط چه در صورت تخلف و چه در صورت ارتکاب به جرم جدید محکوم‌علیه می‌تواند مجدداً درخواست آزادی مشروط نماید باید قائل به تفکیک شد. در صورت لغو به دلیل تخلف اشکالی وجود ندارد اما در صورت ارتکاب جرم جدید قبول مجدد با اشکال مواجه است. زیرا محکوم قبلاً به مجازات حبس محکوم شده و نحوه نگارش قانون نیز دلالت بر اجرای محکومیت و عدم پذیرش آزادی در چنین شرایطی است.^۲ لذا می‌توان گفت به هر نحو که دادگاه از وقوع تخلف مطلع شود می‌تواند آزادی مشروط را لغو کند. اما به اعتقاد دکتر نوربهاء ضروری است که دادگاه به آزادشده حداقل یک بار اخطار کتبی یا ابلاغ واقعی بنماید تا مطمئن شود که محکوم به تخلف خود را ادامه می‌دهد و در این صورت به لغو آزادی حکم دهد.

و) آثار و نتایج آزادی مشروط:

آزادی مشروط مقدمه‌ی آزادی قطعی زندانی است. در این دوره محکوم‌علیه موقتاً از تحمل باقیمانده‌ی مدت مجازات حبس معاف می‌گردد. اگر مجازات اصلی دارای آثار تبعی باشد این آثار جریان خواهد داشت و مجازات‌های تتمیمی مانند اقامت اجباری نیز همچنان به قوت خود باقی خواهد بود.

مدت آزادی مشروط، از تاریخ قطعیت صدور حکم آغاز می‌شود. بدیهی است که مدت آزاد مشروط، علی‌القاعده شامل بقیه مدت مجازات خواهد بود. اما در قانون مجازات

^۱ - دکتر رضا نوربهاء، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۴۳۷، ج ۱۳، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۸۴.

^۲ - دکتر رضا نوربهاء، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، ص ۴۳۹، ج ۱۳، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۸۴.

اسلامی قانونگذار در ماده‌ی (۴۰) مدت آزادی مشروط را به تشخیص دادگاه واگذار کرده و مدت آن نیز، نباید از ۱ سال کمتر و از ۵ سال زیادتر باشد.^۱

از دیگر آثار آزادی مشروط می‌تواند این باشد که دادگاه نوعی نظارت بر رفتار فرد زندانی در طول دوره‌ی آزمایشی به عمل خواهد آورد.

اگر دادگاه صادرکننده‌ی حکم محدودیت‌هایی را مانند معرفی نوبه‌ای زندانی آزاد شده به مراکز تعیین شده و امثال آن را پذیرفته باشد. خودبه‌خود نوعی نظارت بر رفتار زندانی در طول دوره‌ی آزمایشی به عمل خواهد آمد. با تقویت اقدامات حمایتی و تمهید سیاست نظارت در این دوره احتمال اینکه زندانی آزاد شده سربلند از این آزمایش بیرون آید فزونی است.^۲

اما بعد از آزادی کامل و قطعی زندانی محکومیت کیفری او کماکان باقی در سجل کیفری او محفوظ خواهد ماند. اگر بعد از آزادی مرتکب جرم دیگری شود در حکم تکرار جرم در مورد او اجرا خواهد شد.

نتیجه:

سیاست کیفری آزادی مشروط فرصت و مجالی برای مجرمین به حبس است تا با نشان دادن حسن اخلاق و رفتار خود بتوانند به آزادی مطلق برسند و این باعث می‌شود مجرم برای بازگشت به اجتماع تا حدی که می‌تواند دست به جرم دیگری نزنند که این خود باعث اصلاح و انطباق اجتماعی بزهکار می‌شود. که یکی از اهداف مجازات است که در پی آن مجرم از آسیب‌های منفی زندان نیز دور می‌ماند و حتی باعث می‌شود مجرم برای دستیابی به آزادی مشروط از خود مستمراً حسن اخلاق نشان می‌دهد که

^۱ - محمد صالح ولیدی، کلیات حقوق و جزای عمومی، ص ۵۰۷، ج ۱، انتشارات خورشید ۱۳۸۲.

^۲ - دکتر محمدهلی اردبیلی، حقوق و جزای عمومی، ص ۲۵۳، ج ۲، ۱۱، انتشارات میزان، تهران ۱۳۸۵.

این خود تا حدوی باعث بهبود محیط و رفتار دیگر زندانیها نیز می‌شود و می‌تواند با ایجاد راهکارهای جدید در قانون و ایجاد شرایطی برای زندانیان که برای دومین یا سومین بار محکوم به حبس شده با توجه به نوع جرم و شرایط روحی و اخلاقی مجرم، آنها نیز بتوانند از آزادی مشروط استفاده کنند. و شاید امیدی هر چند کوچک برای تربیت و بهبود رفتار آنها باشد، اما این شرایط در مورد مجرمینی که از سن پایینی برخوردارند می‌تواند موثر باشد.

منابع:

کتابها

- ۱) اردبیلی، دکتر محمدعلی، حقوق و جزای عمومی، نشر میزان.
- ۲) زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، انتشارات ققنوس.
- ۳) شامبیاتی، دکتر هوشنگ، حقوق و جزای عمومی، انتشارات مجد و ژوبین.
- ۴) صانعی، دکتر پرویز، حقوق و جزای عمومی، انتشارات طرح نو.
- ۵) گلدوزیان، دکتر ایرج، بایسته‌های حقوق و جزای عمومی، نشر میزان.
- ۶) گلدوزیان، دکتر ایرج، محشی قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد.
- ۷) نوربها، دکتر رضا، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج و دانش.
- ۸) ولیدی، محمدصالح، کلیات حقوق و جزای عمومی، انتشارات خورشید.

"عنوان مقاله: آزادی مشروط زندانیان"

"نویسنده: نیما نجارزاده"

"منتشر شده در پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر"